



سمانه صالحی

سرکون

افتتاحیه یا اختتامیه؟

می دونه. مهم تر از همه، هر وقت ببینه ناراحتی، برات شعر می خونه. خداوکیلی بهتر نیست؟



کرده پاشه بره سالن زیبایی زنانه؟ دقت کنید از این به بعد از شوهر مردم تو افتتاحیه هاتون استفاده نکنید که همانا افتتاحیه به اختتامیه تبدیل خواهد شد. حالا از این ماجرا که بگذریم، اصلا مگه ممکنه این همه فالووری که مامی بینیم واقعی باشن؟ اصلا مگه می شه یکی پاش به بیمارستان کشیده بشه؟ اما خب، در کمال ناباوری، متوجه شدیم متأسفانه هیچ کدام از فن ها فیک نبودن و همه از همین مرز و بوم هستن. بالاخره طرف ازدواج کرده دیگه. باز یگری شو هم که می گین خوب نیست و ماسته. پس چرا دنبالشین؟ به عموپورنگ نگاه کنین! هم بانمکه، هم جوون مونده و اکسیر جوونی رو

از اون جایی که گلزار ازدواج کرده، احتمالا همسرش اجازه نمی ده هر جایی بره و بقیه دخترها و خانم ها رو ببینه، ولی خب گلزاره و مشهور بودنش. مگه می شه بشینه تو خونه و دیگه جایی نره؟ به جاش اگر جایی می ره، بعدش اتفاقات خوبی برای اون مکان نمی افته. مثلا شما فکر کردی سالن زیبایی ساره بیات همین جوری الکی الکی پلمب شد؟ یعنی فکر می کنی زن گلزار دست رو دست گذاشته و این ماجرا رو فقط نگاه کرده؟ یعنی فکر می کنی یک زن می تونه خیلی راحت بشینه و فقط نگاه کنه؟ البته ایشونم نشسته و نگاه کرده ولی خب احتمالا یک تلفن هم زده. اصلا چه معنی می ده مردی که ازدواج



رؤیای شیرین پس انداز

بیا بد! درخواست افزایشش معادل فحش است و درخواست کننده خیلی زیرپوستی توبیخ می شود. این درخواست کان لم یکن طلقی می گردد. **قسط** [ghesht]: خیلی ها مجبورند زیرش بروند! خم کننده کمر در سه سوت. باعث ریزش مو و ضعف اعصاب. از عوامل رونق بازار خرید و فروش تقویم. **سفره** [sofreh]: معیار فقیر و غنی شدن مردم. دراز و پهن قدیم و کوچک و لاغر کنونی. قبلا چون خودش پر بود، عکس گل و بلبل داشت و الان عکس کباب و میوه دارد. **احتکار** [ehtekar]: معادل تا خرتناق انبار کردن و کم فروشی. از مسببان گرانی و تورم. از عاملان قحطی و کمبود. به کسی که احتکار می کند محکمر می گویند که همه می خواهند سر به تنش نباشد (ر.ک. زالو)

توی قصه ها باید دنبالش گشت. **پس انداز** [pasandaz]: «صداش رو در نیار» قدیم؛ چون اگر صدایش درمی آمد، به طرفه العینی تمام می شد. یک نوع آینده نگری که امروزه دیگر کاربرد ندارد. وقتی دخل و خرج شان به شانیه هم پیش می روند، پس انداز می شود رؤیای شیرین. **دخل و خرج** [dakhli-o-kharj]: معمولا با هم نمی خوانند. یکی شان همیشه خواندنش فالش است! از اصطلاحات پرکاربرد کاسب ها که حالا همه گیر شده. اگر دخل بزرگ تر از خرج باشد، بچه شان به دنیا می آید (= پس انداز). اگر خرج بزرگ تر باشد، قوز بالا قوز می شود و طرف می افتد به قرض و قوله و قسط بندی. **حقوق** [hoqooq]: مزد دست یا شاید هم پا. نرخ عرق جبین و کد یمین. اکثرا از آن شاکی هستند. معمولا چسبیده به کف و جانش بالا می آید بالا

گرانی [gera'ni]: معیار سنجش آستانه تحمل مردم. معمولا با صفت «افسار گسیخته» به کار می رود. مثل انرژی است. از بین نمی رود. فقط از کالایی به کالای دیگر منتقل می شود. وقتی قیمت کالایی بالا برود، حتما پایین می آید. اما فقط وقتی که توانستید پشت گوشتان را ببینید! **تورم** [tavarom]: مسئولان بر سر درصدش هیچ وقت به تفاهم نمی رسند. معمولا دست پایین می گیرند تا آمار سکنه و تلفات پایین بماند. اکثرا فکر می کنند با گرانی رفیق چیک توچیک است ولی در واقع، رابطه شان شکراب است چون اگر تورم در جایی بین دو نقطه هم پایین بیاید، گرانی اصلا تحویل نمی گیرد و قیمت ها از جایشان تکان نمی خورند. **ارزانی** [arza'ni]: مخالف گرانی، نشاط بخش و تقویت کننده جیب، ضد افسرگی و اضطراب قوی.

صفحه ۲
۳ تیر ۱۴۰۲
شماره ۷۷

کُخ تو رُخ

منصوره احمدی

آیین گرامیداشت هفته ازدواج



برای عروس گشون با ماشین شما میایم! جای خالی نگه دارین!

کارت زرد سوم مجلس به وزیر ورزش



رفقا، چند تا کارت دیگه بگیریم، می تونیم بشینیم دور هم کارت بازی!

صحن علنی مجلس



۱ قریون دستت، پاشدی به سینی جای بریز گلومون خشک شد.

۲ داداش وریایی، همون لامپ ها رو هم روشن کن، تاریکه.

۳ برادر، زحمتت کولرم بزن، پختیم.

۴ من یانمی شدم. کارهای یومیه تون روبه کی می گفتین؟

جشن هفته ازدواج در روستای باغ گلین گرگان



۲ آمین!

۱ الهی به حق نخودلوبیای این دیگ، شکم اول شش قلو بزد. سرجمع با وام ازدواج، یک میلیارد و صد! خدا بده برکت. بگو آمین!